

پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان بر اساس وظیفه شناسی، همدلی زناشویی و بخشش زناشویی
Predicting Marital Satisfaction in Women Based on Conscientiousness, Marital
Empathy, and Marital Forgiveness

Hossein Tahmasby *

Master's Degree of General Psychology, Department of Psychology, Payame Noor University, Kabudar Ahang Branch, Hamadan, Iran.

htahmasbypsy@gmail.com

Dr. Yadollah Khorramabadi

Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Kabudar Ahang Branch, Hamadan, Iran.

حسین طهماسبی (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد کبودآهنگ، همدان، ایران.

دکتر بداله خرم آبادی

استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد کبودآهنگ، همدان، ایران.

Abstract

This study aimed to predict marital satisfaction based on conscientiousness, marital empathy, and marital forgiveness in married women. This research was basic, and regarding the procedure, it was a descriptive-correlation study. The statistical population of the present study was all the married women of Lorestan province in the spring of 2023, from whom 840 people were selected as a sample by available sampling. Research tools included: Enrich Marital Satisfaction Scale (EMS, Olson et al., 1987), NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI, Costa & McCrae, 1992), Marital Empathy Scale (MES, Jolliffe & Farrington, 2006), and Marital Offence-Specific Forgiveness Scale (MOFS, Paleari et al., 2009). Data were analyzed using Pearson's correlation test and multiple regression. The research results showed that there is a significant correlation between marital satisfaction with conscientiousness, marital empathy, and marital forgiveness ($p < 0.01$). Additionally, the regression analysis outcomes indicated that 38.1% of the variance in marital satisfaction can be explained by predictor variables, wherein forgiveness emerges as the strongest predictor variable, followed by empathy and then conscientiousness ($p < 0.001$). It can be concluded that conscientiousness, marital empathy, and marital forgiveness play a key role in women's marital satisfaction, and it is necessary to pay attention to these factors in interaction with each other in intervention programs designed to increase women's marital satisfaction.

Keywords: Marital Satisfaction, Conscientiousness, Empathy, Forgiveness, Women.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس وظیفه‌شناسی، همدلی زناشویی و بخشش زناشویی در زنان متأهل انجام شد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های بنیادین و از لحاظ روش از نوع مطالعات توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه زنان متأهل ساکن استان لرستان در بهار سال ۱۴۰۲ بود که از بین آن‌ها به صورت در دسترس ۸۴۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل مقیاس رضایت زناشویی انریچ (EMS، اولسون و همکاران، ۱۹۸۷)، پرسشنامه پنج عاملی نئو (NEO-FFI، کاستا و مک کرا، ۱۹۹۲)، مقیاس همدلی زناشویی (MES، جولیف و فرینگتون، ۲۰۰۶) و مقیاس بخشش رنجش خاص زناشویی (MOFS، پالاری و همکاران، ۲۰۰۹) بودند. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد بین رضایت زناشویی با وظیفه‌شناسی، همدلی زناشویی و بخشش زناشویی همبستگی معنادار وجود دارد ($p < 0/01$). علاوه بر این، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ۳۸/۱ درصد از واریانس رضایت زناشویی توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌شود که در آن بخشش به عنوان قوی‌ترین متغیر پیش‌بین ظاهر می‌شود و به دنبال آن همدلی و سپس وظیفه‌شناسی قرار می‌گیرند ($p < 0/001$). از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که وظیفه‌شناسی، همدلی زناشویی و بخشش زناشویی نقش کلیدی در رضایت زناشویی زنان دارند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر در برنامه‌های مداخله‌ای طراحی شده برای افزایش رضایت زناشویی زنان ضروری است.

واژه‌های کلیدی: رضایت زناشویی، وظیفه‌شناسی، همدلی، بخشش، زنان.

پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند رضایت زناشویی که با احساس رضایت کلی تجربه شده در یک ازدواج تعریف می‌شود، یک مفهوم چند بعدی است که نقشی حیاتی در عملکرد خانواده و کیفیت رابطه والدین و فرزندان ایفا می‌کند و به عنوان عنصری اساسی در حفظ یک ازدواج سالم، با افزایش احساس شادی و کاهش احتمال طلاق همراه است و در برخورداری از سلامت جسمی و روانی اثرات قابل ملاحظه‌ای دارد به نحوی که هر چه رضایت زناشویی در افراد بالاتر باشد، میزان افسردگی و اضطراب در آن‌ها کمتر است و در نقطه مقابل، پایین بودن رضایت زناشویی با افزایش نگرش منفی نسبت به خود در دوران پیری و تشدید علائم اضطراب و افسردگی ارتباط مستقیم دارد (یانگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۳؛ نونس^۲ و همکاران، ۲۰۲۲؛ سوسی^۳، ۲۰۲۲؛ کاسالووا^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). علاوه بر این، رضایت زناشویی، متاثر از عوامل بسیار متعددی همچون ارتباط موثر، حل تعارض، صمیمیت عاطفی، اعتماد، اهداف و ارزش‌های مشترک، رضایت جنسی، سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی، امنیت مالی، سن، جنسیت، سابقه ازدواج، تعداد فرزندان، عوامل استرس‌زای بیرونی و تاثیرات فرهنگی است که همگی نقش حیاتی در ساختن رابطه رضایت بخش ایفا می‌کنند (گود^۵ و همکاران، ۲۰۲۲؛ خضری و همکاران، ۲۰۲۰؛ ابوالقاسمی و همکاران، ۲۰۲۲؛ نوری و همکاران، ۲۰۱۸؛ برخوردار و شهبازی، ۱۴۰۲؛ سلطانی و همکاران، ۱۴۰۲؛ عزیزی و حاجی علیزاده، ۱۴۰۱). بر اساس مطالعات بین‌المللی، افزایش نگران‌کننده‌ای در میزان جدایی و طلاق در سال‌های اخیر وجود داشته است، به طوری که تقریباً دو سوم ازدواج‌های اول به طلاق ختم می‌شوند که این مسئله به مشکلات مرتبط با دستیابی به رضایت زناشویی و حفظ آن اشاره کرده و تاکید می‌کند که در سال‌های اخیر نرخ رضایت زناشویی روندی نزولی داشته است (چکوسکا-بیلوگا و لوتیکا-زلنت^۶، ۲۰۲۱). با اذعان به نقش بسزا و پیچیده‌ی عوامل متعدد در پویایی رضایت زناشویی، تحقیق در این زمینه، به ویژه با تمرکز بر افزایش آگاهی از این عوامل، می‌تواند دریچه‌ای نو به سوی ارتقای توانمندی متخصصان، اعم از مشاوران خانواده، درمانگران و سیاستگذاران، بگشاید. درک عمیق‌تر از عناصر اساسی شکل دهنده رضایت از زندگی زناشویی، حاصل از چنین تحقیقاتی، یاری‌گر این افراد در مقابله‌ی موثرتر با معضل نگران‌کننده‌ی طلاق خواهد بود.

یکی از متغیرهایی که در برخورداری از رابطه زناشویی رضایت بخش نقش دارد، وظیفه‌شناسی است (برودک و کالتا^۷، ۲۰۲۳؛ هوسنی و زکریا^۸، ۲۰۲۲). وظیفه‌شناسی با افزایش امکان حفظ و تداوم پیوندهای زناشویی پایدار و بلندمدت مرتبط است. افراد با سطح وظیفه‌شناسی بالاتر، رفتارهای بین فردی مثبتی از خود نشان می‌دهند، از انجام رفتارهای توهین آمیز خودداری می‌کنند و سطوح پایین تری از استرس را تجربه می‌کنند. افراد وظیفه‌شناس از رفاه روانی بیشتری برخوردارند که با سطوح بالاتر عاطفه مثبت و رضایت از زندگی مشخص می‌شود. علاوه بر این، افراد وظیفه‌شناس رفتارهای سالم تری از خود نشان می‌دهند که به سلامت جسمی و روانی کمک می‌کنند. آنها به ورزش منظم می‌پردازند، عادات غذایی سالم را حفظ می‌کنند و از رفتارهای پرخطر اجتناب می‌کنند که در نتیجه باعث کاهش سطح چاقی و بهبود شاخص‌های متابولیک و قلبی عروقی می‌شود. با رعایت این رفتارهای سالم، افراد وظیفه‌شناس خطر ابتلا به بیماری‌های مختلف را کاهش داده و بهزیستی کلی خود را افزایش می‌دهند. پیامدهای مثبت وظیفه‌شناسی به رفاه شخصی محدود نمی‌شود، بلکه به حوزه‌های حرفه‌ای و مالی نیز گسترش می‌یابد به نحوی که این افراد، تمایل دارند در مشاغل خود به سطوح بالاتری از عملکرد و موفقیت شغلی دست یابند که این دستاوردها می‌توانند منجر به بهبود نتایج اقتصادی و وضعیت مالی شوند (استفان^۹ و همکاران، ۲۰۲۲؛ کارچیوفو^{۱۰}، ۲۰۲۲؛ منیره^{۱۱}، ۲۰۲۱) و نهایتاً پیامدهای مثبت وظیفه‌شناسی می‌تواند جنبه‌های مختلف روابط زناشویی را در بر گیرند و راه را برای رضایت زناشویی هموار کند.

1. Yang
2. Nunes
3. Soucy
4. Kasalova
5. Goud
6. Czechowska-Bieluga & Lewicka-Zelent
7. Brudek & Kaleta
8. Hoens & Zakaria
9. Stephan
10. Carciofo
11. Monira

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در رابطه با برخورداری از رابطه زناشویی رضایت بخش، حائز اهمیت است، میزان همدلی است (ون^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). همدلی شناختی، که شامل شناخت عواطف دیگران است، در کنار همدلی عاطفی، که شامل به اشتراک گذاشتن و تجربه آن عواطف است، شالوده شفقت و اخلاق را می‌سازند. افرادی که دارای سطح بالایی از همدلی هستند، تمایل به همکاری بیشتر و افکار اخلاقی عمیق‌تری دارند. در زمینه روابط، افراد با سطوح بالاتر همدلی می‌توانند سطوح بالاتری از رضایت از رابطه را به دلیل توانایی در همکاری در رفتارهای مشارکتی تجربه کنند. علاوه بر این، شواهد نشان می‌دهد که همبستگی منفی بین همدلی و خودشیفتگی وجود دارد، که در آن افراد با سطوح پایین‌تر همدلی تمایل دارند جهت‌گیری‌های بین‌فردی خودمحورانه نشان دهند. عامل دیگری که به تأثیر همدلی بر روابط کمک می‌کند، شفقت به خود است. کسانی که به خود شفقت می‌ورزند، می‌توانند شفقت بیشتری به دیگران نشان دهند، ارتباطات بیشتری برقرار می‌کنند و افزایش همدلی را تجربه می‌کنند. شفقت به خود، نه تنها رفتارهای دلسوزانه نسبت به دیگران را تسهیل می‌کند، بلکه رفتارهای پیشگیرانه را تحریک می‌کند و بهزیستی کلی را بهبود می‌بخشد. علاوه بر این، همدلی به عنوان یک عامل محافظتی برای بهزیستی عاطفی عمل می‌کند و به عنوان مکانیزمی برای محافظت از افراد در برابر پریشانی عاطفی عمل می‌کند. همچنین، همدلی با توسعه دوستی‌های نزدیک و ایجاد شبکه‌های اجتماعی که با اعتماد مشخص می‌شوند همراه است (کوهنلی^۲ و همکاران، ۲۰۲۳؛ برت^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین، توسعه و پرورش همدلی می‌تواند مزایای بی‌شماری را برای روابط به همراه داشته باشد، زیرا درک عواطف دیگران را تقویت می‌کند، شفقت را افزایش می‌دهد و می‌تواند منجر به افزایش رضایت زناشویی شود.

همچنین بخشش نیز یکی دیگر از عواملی است که با برخورداری از رابطه زناشویی رضایت بخش در ارتباط است (فوپشوا و زاهورکووا^۴، ۲۰۲۲؛ مندس-تیسیرا و دوارته^۵، ۲۰۲۱؛ رابرتز^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). افرادی که بیشتر می‌بخشند، هیجانات مثبت بیشتر و هیجانات منفی کمتری مانند خشم و خصومت را تجربه می‌کنند. علاوه بر این، بخشش، با سطوح بالاتر حمایت اجتماعی و تمایل بیشتر به رفتارهای اجتماعی نسبت به دیگران مرتبط است، به نحوی که افراد با سطوح بالاتر بخشش، در مواجهه با تخلفات، بیشتر به شیوه‌های اجتماعی پاسخ می‌دهند. در زمینه روابط بین فردی، بخشش نقش عمده‌ای در مدیریت تعارض و فرآیند بازسازی روابط آسیب دیده، تقویت اقدامات سازنده و مشارکتی و کمک به حفظ روابط اجتماعی در تعاملات آینده ایفا می‌کند. علاوه بر این، مشخص شده است که بخشش با اجتناب بین فردی ارتباط منفی دارد و به افراد کمک می‌کند بر انگیزه‌های اجتناب یا انتقام نسبت به کسانی که باعث آسیب شده اند غلبه کند و به دنبال آن، ارتباطات سازنده در روابط نزدیک، تسهیل می‌شوند و تعاملات اجتماعی تقویت می‌گردند. علاوه بر این، بخشش به عنوان یک رویکرد مثبت و اجتماعی برای رسیدگی به آسیب‌ها در نظر گرفته می‌شود، زیرا استرس و اثرات منفی مربوط به نگه داشتن کینه و رنجش را کاهش می‌دهد. مطالعات تجربی نیز به طور مداوم ارتباط منفی بین بخشش و ویژگی‌هایی مانند روان رنجوری، افسردگی و نشخوار فکری را گزارش کرده‌اند. همچنین، بخشش با پیامدهای سلامت جسمانی همبستگی قوی دارد، زیرا افرادی که سطح بخشش کمتری دارند ممکن است فشار خون بالا، ضربان قلب بالا، استرس و تنهایی را بیشتر تجربه کنند (ریج^۷ و همکاران، ۲۰۲۳؛ یی و همکاران^۸، ۲۰۲۳؛ لی و همکاران^۹، ۲۰۲۳). بنابراین، تقویت بخشش می‌تواند مزایای فراوانی را برای روابط به همراه داشته باشد که می‌تواند منجر به افزایش رضایت زناشویی شوند.

با توجه به مطالب ذکر شده، اهمیت نقش متغیرهای وظیفه‌شناسی، همدلی زناشویی و بخشش زناشویی در رابطه با رضایت زناشویی در زنان متاهل مطرح گردید. از آنجایی که پژوهشی در خصوص ارتباط متغیرهای مذکور به طور همزمان صورت نگرفته است، خلأ پژوهشی در این حوزه احساس شد و از سویی دیگر به دلیل اهمیت بالای رضایت زناشویی، بررسی متغیرهای مرتبط با برخورداری از رابطه زناشویی رضایت‌بخش در زنان متاهل ضرورت دارد؛ بررسی این متغیرها می‌تواند دیدگاه جامع‌تری را به سیاستگذاران حوزه خانواده و ازدواج ارائه دهد تا با درک دقیق‌تر نیازها و ویژگی‌های زنان متاهل، به ارتقای کیفیت زندگی زناشویی و استحکام بنیان خانواده یاری رسانند؛ بنابراین این پژوهش با هدف پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس وظیفه‌شناسی، همدلی زناشویی و بخشش زناشویی در زنان متاهل انجام شد.

1. Wen
2. Kuhnley
3. Brett
4. Fupšová & Záhrovcová
5. Mendes-Teixeira & Duarte
6. Roberts
7. Ridge
8. Yi
9. Li

پژوهش حاضر همبستگی-توصیفی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه زنان متأهل ساکن استان لرستان در بهار سال ۱۴۰۲ بود. با استفاده از فرمول کوکران و در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد و حاشیه خطای ۳/۵ درصد، حجم نمونه مورد نیاز برای انجام این مطالعه ۷۸۳ نفر برآورد شد. با این وجود، به منظور افزایش اطمینان، تعداد ۸۴۰ نفر به عنوان حجم نهایی نمونه تعیین گردید و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس به جمع‌آوری نمونه‌ها پرداخته شد. ملاک ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، مونث بودن، تاهل، داشتن سطحی از سواد که امکان خواندن و نوشتن را فراهم کند و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش، عدم تکمیل پرسشنامه‌ها و وجود داده‌های پرت بود. در پرسشنامه‌ها برای رعایت اصول اخلاقی این عنوان قید شده بود که اطلاعات هر پرسشنامه با احترام کامل به حریم خصوصی افراد، صرفاً برای اهداف پژوهشی مورد استفاده قرار خواهد گرفت و محرمانگی آن به طور کامل حفظ خواهد شد. در نهایت، داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ تحلیل شدند.

ابزار سنجش

مقیاس رضایت زناشویی انریچ^۱ (EMS): این ابزار ارزیابی جامع که توسط اولسون^۲ و همکاران (۱۹۸۷) توسعه یافته، دارای ۱۲۵ گویه است و شامل خرده مقیاس‌های متعددی از قبیل پاسخ قراردادی، رضایت‌زناشویی، موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و بچه‌ها، بستگان و دوستان، نقش‌های مربوط به برابری زن و مرد و جهت‌گیری عقیدتی است که برای اندازه‌گیری جنبه‌های مختلف رضایت زناشویی با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت، شرکت‌کنندگان، میزان موافقت یا مخالفت خود را با عباراتی از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف، نشان می‌دهند و برای پاسخ به هر سوال، یک مقدار عددی از یک تا پنج اختصاص داده می‌شود. همچنین، مطالعه تکمیلی سازندگان این مقیاس، بر روی ۵۰۳۹ زوج متأهل در سطح ملی، نشان داد که این مقیاس با ضریب آلفای ۰/۸۶ و همچنین ضریب بازآزمایی ۰/۸۶، از سطح بالایی از قابلیت اطمینان برخوردار است و شواهدی از روایی همزمان را با همبستگی ۰/۷۳ برای نمرات فردی و ۰/۸۱ برای نمرات زوجین در مقایسه با مقیاس سازگاری زناشویی لاکه-والاس نشان داد و روایی افتراقی نیز نشان داد که این مقیاس می‌تواند با دقتی بین ۸۵ تا ۹۵ درصد بین زوج‌های راضی و ناراضی تمایز قائل شود (فاورز و اولسون^۳، ۱۹۸۹). سلیمانیان (۱۳۷۳) علاوه بر تایید روایی محتوایی و آلفای کرونباخ با ضریب ۰/۹۳ برای فرم بلند این پرسشنامه، نسخه کوتاه ۴۷ سوالی از آن را نیز ارائه کرد. وی روایی محتوایی این نسخه کوتاه را تأیید و ضریب پایایی آن را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش کرد. در مطالعات انجام شده در ایران، از فرم کوتاه ۴۷ سوالی پرسشنامه انریچ که از نسخه ۱۲۵ سوالی اصلی آن اقتباس شده است، به طور گسترده استفاده می‌شود (عرب علیدوستی، ۱۳۹۴). در این پژوهش، از فرم کوتاه پرسشنامه استفاده شد و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۵ محاسبه شد.

پرسشنامه پنج عاملی نئو^۴ (NEO-FFI): برای ارزیابی وظیفه‌شناسی از پرسشنامه NEO-FFI (کاستا و مک‌کرا^۵، ۱۹۹۲) استفاده شد که شامل مجموعه‌ای از ۶۰ سوال با هدف ارزیابی پنج عامل بزرگ شخصیت است. شرکت‌کنندگان با انتخاب یک گزینه که از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف را شامل می‌شود، به هر سوال یک مقدار عددی از صفر تا چهار اختصاص می‌دهند. این پرسشنامه که به صورت ویژه به منظور ارزیابی پنج عامل بزرگ شخصیت، شامل روان رنجوری، برونگرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی توسعه یافته است، ۱۲ سوال را به هر عامل اختصاص می‌دهد که در نتیجه برای هر یک از پنج عامل ارائه شده، امتیازی بین صفر تا ۴۸ به دست می‌آید. در مطالعه کاستا و مک‌کرا (۱۹۹۲) همبستگی فرم کوتاه (NEO-FFI) با فرم بلند آن (NEO-PI) بیشتر از ۰/۶۸ بود، که بیانگر روایی همگرا قوی بین این دو نسخه می‌باشد. همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای این عوامل در بازه ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ قرار دارد که نشان‌دهنده انسجام درونی و پایایی بالای پرسشنامه در سنجش ابعاد مختلف شخصیت است. همچنین، مک‌کرا و کاستا (۲۰۰۴)، در تکمیل مطالعه قبلی خود، روایی سازه NEO-FFI را با بررسی همبستگی بین ارزیابی‌های خود افراد با ارزیابی‌های همسران و همسالان آنها مورد تحلیل قرار دادند. نتایج بررسی آنان نشان داد که همبستگی‌ها در سطوح معنادار و مثبت قرار دارند و در دامنه‌ای از ۰/۴۴ و ۰/۳۶ برای وظیفه‌شناسی تا ۰/۶۵ و ۰/۴۸ برای توافق‌پذیری قرار می‌گیرند که نشان می‌دهد NEO-FFI در سنجش صفات شخصیتی از دیدگاه افراد مختلف معتبر است و روایی این مقیاس را در سنجش صفات شخصیتی از دیدگاه‌های مختلف تأیید کرد. علاوه بر این، کیامهر (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای نشان داد که ضرایب بازآزمایی بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۶،

1. ENRICH Marital Satisfaction (EMS)

2. Olson

3. Fowers & Olson

4. NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI)

5. Costa & McCrae

ضرایب آلفای کرونباخ بین ۰/۴۲ تا ۰/۷۹ و ضرایب همبستگی بین فرم کوتاه و بلند بین ۰/۷۱ تا ۰/۹۱ قرار داشت، که نشان‌دهنده‌ی پایایی و روایی قابل قبول این ابزار است. این تحقیق، با استفاده از عامل وظیفه‌شناسی انجام شد و ضریب آلفای کرونباخ این عامل ۰/۸۱ محاسبه شد.

مقیاس همدلی زناشویی^۱ (MES): این مقیاس توسط جولیف و فرینگتون^۲ (۲۰۰۶) توسعه یافته و شامل ۲۰ گویه است که در ماده‌های این مقیاس به جای استفاده از کلمه "دوستان" از کلمه "همسر" استفاده شده است و هدف آن ارزیابی عوامل شناختی و عاطفی همدلی در روابط زناشویی است و از یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای استفاده می‌کند که از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف را در بر می‌گیرد و به انتخاب هر پاسخ، امتیازی بین یک تا پنج داده می‌شود. در مطالعه آنان، اعتبار سازه با وجود تفاوت‌های معنی‌دار در نمرات بین مردان و زنان و همچنین بین کسانی که به فرد مورد آزار و اذیت کمک کرده بودند و کسانی که کمک نکرده بودند، تأیید گردید و اعتبار همگرا نیز با همبستگی آن با معیارهای همدردی، در نظر گرفتن دیدگاه دیگران، نارسایی هیجانی، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی، گشودگی، نظارت والدین و وضعیت اجتماعی-اقتصادی مورد تأیید فرار گرفت و همچنین، اعتبار و اگر با عدم ارتباط آن با پاسخگویی مطلوب اجتماعی تأیید شد. همچنین، با وجود کاربرد گسترده و اعتبار بین‌المللی این مقیاس، در پژوهش محققین، ضرایب آلفای کرونباخ گزارش نشده است، اما تحلیل عاملی تأییدی، پایایی و انسجام درونی را با نشان دادن دو ساختار اصلی همدلی شناختی و همدلی عاطفی تأیید کرد به نحوی که بارهای عاملی مربوط به سوالات همدلی شناختی از ۰/۴۳ تا ۰/۶۲ و بارهای عاملی مربوط به سوالات همدلی عاطفی از ۰/۴۱ تا ۰/۷۱ متغیر بود (جولیف و فرینگتون، ۲۰۰۶). همچنین، در مطالعه‌ای که توسط آلبیرو^۳ و همکاران (۲۰۰۹) انجام شد، به منظور بررسی روایی همگرای این مقیاس، همبستگی آن با دو مقیاس شاخص کنش‌ورزی بین شخصی و مقیاس رفتار جامعه‌پسند مورد سنجش قرار گرفت که همبستگی بالایی بین آن‌ها یافت شد و همچنین با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی نیز روایی سازه بیشتر مورد تأیید قرار گرفت و پایایی مقیاس با ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ برای مقیاس کل و همچنین ۰/۸۶ برای خرده مقیاس عاطفی و ۰/۷۴ برای خرده مقیاس شناختی تأیید گردید. در مطالعه جعفری و همکاران (۱۳۹۶) روایی همگرای این مقیاس از طریق همبستگی با خرده‌مقیاس‌های ارتباط با همسالان و پرخاشگری در مقیاس مهارت اجتماعی ماتسون و همچنین همبستگی بین عوامل مقیاس با یکدیگر و با نمره کل مقیاس، تأیید شد و تحلیل عاملی مولفه‌های اصلی، روایی سازه مقیاس را تأیید کرد و پایایی مقیاس نیز با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ ۰/۷۲ تا ۰/۸۰ و بازآزمایی، به فاصله دو هفته بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۰ گزارش گردید. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که مقیاس همدلی می‌تواند به عنوان ابزاری قابل اعتماد و معتبر مورد استفاده قرار گیرد. در این تحقیق، پایایی مقیاس با ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ برای مقیاس کل، ۰/۷۴ برای خرده مقیاس عاطفی و ۰/۸۲ برای خرده مقیاس شناختی محاسبه شد.

مقیاس بخشش رنجش خاص زناشویی^۴ (MOFS): این مقیاس که توسط پالاری^۵ و همکاران (۲۰۰۹) توسعه یافته است، دارای ۱۰ گویه با هدف ارزیابی بخشش در زمینه روابط زناشویی، با تمرکز بر دو خرده مقیاس خیرخواهی و خشم-اجتناب است. این مقیاس از شرکت‌کنندگان می‌خواهد که پاسخ خود را در طیفی از گزینه‌های به شدت مخالف تا به شدت موافق انتخاب کنند و به تناسب آن، نمره‌ای از یک تا شش به هر پاسخ تخصیص داده می‌شود. در زمان محاسبه نمره کل، در صورتی که صرفاً بخشش زناشویی اندازه‌گیری شود، امتیازدهی تمام گویه‌های مربوط به خرده مقیاس خشم-اجتناب که شامل موارد ۱، ۳، ۴، ۶، ۷ و ۸ است، معکوس می‌شود، اما برای گویه‌های مربوط به خرده مقیاس خیرخواهی که شامل موارد ۲، ۵، ۹ و ۱۰ می‌شود نیازی به معکوس کردن امتیازها نیست. نتایج مطالعه پالاری و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد که خرده مقیاس خیرخواهی دارای ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ برای مردان و ۰/۷۵ برای زنان و خرده مقیاس خشم-اجتناب دارای ضرایب ۰/۸۳ برای مردان و ۰/۷۹ برای زنان است. همچنین، برای سنجش روایی سازه، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده کردند و بارهای عاملی مربوط به هر بعد از بخشش، نشان داد که در زنان و شوهران معنای مشابهی از ابعاد بخشش وجود دارد و برای سنجش روایی و اگر نیز، هر یک از خرده مقیاس‌های بخشش با مقیاس‌های همدلی عاطفی، نشخوار فکری، نسبت دادن علت رویدادها و کیفیت زناشویی مقایسه شدند و نتایج نشان داد که ابعاد مقیاس بخشش از سایر مقیاس‌هایی که سازه‌های مرتبط را اندازه‌گیری می‌کنند، متمایز هستند و این دو بعد، مفاهیم مجزایی را می‌سنجند. در ایران نیز، در مطالعه انجام شده توسط آذرکیش و همکاران (۱۳۹۶)، روایی صوری و محتوایی این مقیاس تأیید و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ در مرحله پس‌آزمون گزارش شد. همچنین در مطالعه جداگانه‌ای که توسط رجبی و همکاران (۱۳۹۵) انجام شد، برای این مقیاس، ضریب پایایی آلفای کرونباخ ۰/۹۱ و ضریب روایی همگرای آن با استفاده از مقیاس بخشش صفت، ۰/۸۹ گزارش شده است. در این تحقیق، پایایی مقیاس با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۱ محاسبه شد.

1. Marital Empathy Scale (MES)

2. Jolliffe & Farrington

3. Albiro

4. Marital Offence-Specific Forgiveness Scale (MOFS)

5. Palari

یافته‌ها

میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۶/۵۹ سال با انحراف معیار ۷/۹۲۸ با طیف سنی در محدوده ۱۵ تا ۶۲ سال بود. در رابطه با سنوات ازدواج، میانگین مدت آن ۱۴/۷۲ سال با انحراف معیار ۸/۱۹۸ و با دامنه‌ای از ۱ تا ۴۳ سال بود. در حالی که بیشترین تعداد پاسخگویان دارای مدرک دیپلم بودند، بالاترین سطح تحصیلات متعلق به گروهی با مدرک کارشناسی ارشد یا بالاتر و کمترین سطح تحصیلات مربوط به افراد زیر دیپلم بود. در جدول ۱ نتایج آزمون همبستگی پیرسون و بررسی شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش به همراه شاخص‌های توصیفی

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱. رضایت زناشویی	۱			
۲. وظیفه‌شناسی	۰/۲۸**	۱		
۳. همدلی	۰/۴۳**	۰/۳۵**	۱	
۴. بخشش	۰/۵۴**	۰/۱۵**	۰/۳۷**	۱
میانگین	۱۴۶/۷۸	۳۴/۳۰	۸۰/۳۰	۳۴/۵۷
انحراف معیار	۳۱/۲۱۱	۶/۵۶۰	۹/۳۰۳	۶/۲۵۲
چولگی	۰/۲۸۲	-۰/۳۲۵	-۰/۲۱۵	-۰/۱۱۰
کشدگی	-۰/۴۵۴	۰/۱۲۵	۰/۲۴۸	-۰/۱۰۴

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۱، بین رضایت زناشویی با وظیفه‌شناسی ($r=0/286$)، همدلی زناشویی ($r=0/437$) و بخشش زناشویی ($r=0/549$) همبستگی معنادار وجود داشت ($P<0/01$). بنابراین، با افزایش نمره زنان در هر یک از متغیرهای وظیفه‌شناسی، همدلی و بخشش زناشویی، شاهد افزایش رضایت آنها از زندگی مشترکشان نیز هستیم. به عبارت دیگر، زنانی که در انجام وظایف خود متعهدتر، در همدلی با همسر خود توانمندتر و در مواجه شدن با اشتباهات همسر خود بخشنده‌تر بودند، از رضایت زناشویی بیشتری برخوردار بودند. همچنین، مقادیر میانگین و انحراف معیار، وجود تنوع و تفاوت‌های فردی را در وظیفه‌شناسی، همدلی، بخشش و رضایت زناشویی نشان داد. مقادیر کشیدگی و چولگی برای همه متغیرهای تحت بررسی در این تحقیق در محدوده قابل قبولی (۲- تا ۲) قرار داشت که نشان می‌دهد داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند و می‌توان آن‌ها را در تجزیه و تحلیل‌های بعدی مورد استفاده قرار داد. مقادیر دوربین و اتسون که در محدوده ۱/۵ تا ۲/۵ قابل قبول تلقی می‌شود (تورنر ۱، ۲۰۲۰)، در مطالعه حاضر میزان آن برای متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی رضایت زناشویی ۱/۹۹۳ به دست آمد که حاکی از استقلال خطاها است. یکی از شروط دیگر، عدم هم خطی بین متغیرهای پیش‌بین است که برای سنجش این شرط، از شاخص عامل تورم واریانس استفاده می‌شود. اگر مقدار این عامل برای هر متغیر کمتر از ۱۰ باشد، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای پیش‌بین هم خطی وجود ندارد. در این پژوهش، مقادیر عامل تورم واریانس برای تمامی متغیرها کمتر از ۱۰ محاسبه شد و فرض عدم هم خطی تأیید شد (مارکولیدز و ریکو، ۲۰۱۹). به منظور بررسی هدف اصلی پژوهش، از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن در جدول‌های ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج ضرایب چندگانه و بررسی معناداری پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان از طریق متغیرهای پیش‌بین بر اساس آزمون آنوا

متغیر ملاک	منبع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	sig	R	R ²	R
رضایت زناشویی	رگرسیون	۳۱۱۶۷۱/۲۲۳	۳	۱۰۳۸۹۰/۴۰۸	۱۷۱/۷۷۳	$p<0/01$	۰/۶۱۸	۰/۳۸۱	۰/۳۷۹
	باقیمانده	۵۰۵۶۲۲/۷۷۵	۸۳۶	۶۰۴/۸۱۲					
	کل	۸۱۷۲۹۳/۹۹۹	۸۳۹						

1. Turner

2. Marcoulides & Raykov

همانطور که در جدول ۲ قابل مشاهده است، مدل رگرسیونی حاضر با $F=171/773$ معنادار است ($p<0/001$). همچنین مقدار همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک برابر $0/618$ و ضریب تعیین برابر با $0/381$ و ضریب تعیین تعدیل شده $0/379$ به دست آمد؛ بنابراین متغیرهای وظیفه‌شناسی، همدلی و بخشش قادر به پیش‌بینی $38/1$ درصد از تغییرات متغیر رضایت زناشویی در زنان بودند.

جدول ۳. نتایج پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان بر اساس متغیرهای پیش‌بین

سطح معنی‌داری	t	ضرایب استاندارد		خطای استاندارد	B
		β			
	-۱/۶۱۳			۷/۹۱۷	(مقدار ثابت)
$p<0/001$	۴/۸۲۲	۰/۱۴		۰/۱۳۸	وظیفه‌شناسی
$p<0/001$	۷/۱۸	۰/۲۲۲		۰/۱۰۴	همدلی
$p<0/001$	۱۵/۱۸۱	۰/۴۴۵		۰/۱۴۶	بخشش

با توجه به نتایج جدول ۳ متغیرهای وظیفه‌شناسی ($\beta=0/140$ و $p<0/001$)، همدلی زناشویی ($\beta=0/222$ و $p<0/001$) و بخشش زناشویی ($\beta=0/445$ و $p<0/001$) در تبیین واریانس رضایت زناشویی نقش دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رضایت زناشویی در زنان متأهل بر اساس وظیفه‌شناسی، همدلی زناشویی و بخشش زناشویی صورت گرفت. نتایج نشان داد بین وظیفه‌شناسی و رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد که با نتایج تحقیقات برودک و کالتا (۲۰۲۳)، پارپایی و همکاران (۱۴۰۱)، حسنی و زکریا (۲۰۲۲) و سایه میری و همکاران (۲۰۲۰) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد وظیفه‌شناس می‌توانند به واسطه مشغولیت بیشتر در رفتارهای مثبت، مانند سازماندهی زندگی خود، پافشاری در انجام کارهای دشوار و رعایت نظم و نظافت در زندگی، تاثیر مثبتی بر رضایت زناشویی خود بگذارند. همچنین، این افراد می‌توانند با اجتناب از رفتارهای منفی مانند سستی در انجام وظایف، فراموش کردن وقایع مهم یا اقدام به رفتارهای غیراخلاقی، از بروز نارضایتی در زندگی زناشویی خود جلوگیری کنند. علاوه بر این، افراد وظیفه‌شناس معمولاً قابل اعتماد و پایبند به وعده‌های خود هستند، که این امر می‌تواند به افزایش اعتماد و صمیمیت در روابط زناشویی منجر شود و در نهایت، رضایت زناشویی را ارتقا دهد. همچنین، افراد وظیفه‌شناس، با نشان دادن رفتارهای بین فردی مثبت مانند ابراز محبت، احترام، همدلی و صبر، می‌توانند به طور مستقیم کیفیت تعاملات خود را ارتقا داده و زمینه را برای ایجاد یک رابطه زناشویی رضایت‌بخش فراهم کنند. علاوه بر این، افراد وظیفه‌شناس با پرهیز از رفتارهای توهین‌آمیز مانند تحقیر، سرزنش و خشونت کلامی و فیزیکی می‌توانند به حفظ صمیمیت و اعتماد در رابطه کمک کرده و از بروز تنش و درگیری جلوگیری کنند. همچنین، افراد وظیفه‌شناس معمولاً سطوح پایین‌تری از استرس را تجربه می‌کنند که می‌تواند به افزایش شادکامی، آرامش و بهبود کیفیت زندگی منجر شود و متعاقباً، رضایت زناشویی را ارتقا دهد. به‌علاوه، وظیفه‌شناسی، با برخورداری از رفاه روانی بیشتر، عاطفه مثبت، تمایل به رفتارهای سالم‌تر، ورزش منظم، حفظ عادات غذایی سالم، اجتناب از رفتارهای پرخطر و کاهش خطر ابتلا به بیماری‌ها ارتباط دارد که می‌تواند زمینه را برای ایجاد یک رابطه زناشویی رضایت‌بخش فراهم کنند. علاوه بر این، وظیفه‌شناسی، با عملکرد و موفقیت شغلی بالاتر می‌تواند به افزایش درآمد، امنیت مالی و بهبود وضعیت اقتصادی منجر شود و از این طریق نقش مهمی را در ارتقای رضایت زناشویی ایفا کند (جکسون و همکاران، ۲۰۱۰؛ استفان و همکاران، ۲۰۲۲؛ کارچوفو، ۲۰۲۲؛ منیره، ۲۰۲۱).

همچنین یافته دیگر این پژوهش حاکی از آن بود که همدلی نیز با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری دارد که با نتایج تحقیقات ون و همکاران (۲۰۲۲)، رجبی و همکاران (۱۴۰۱)، غفوریان قهرمانی و مهدویان (۱۴۰۰)، پلپا و همکاران (۲۰۱۹) و لادا و کامیرچاک (۲۰۱۹) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افرادی که سطح بالایی از همدلی دارند، تمایل به همکاری بیشتر و افکار اخلاقی عمیق‌تر دارند. این امر می‌تواند به طور بالقوه منجر به سطوح بالاتری از رضایت‌مندی در روابط شود، چرا که این افراد می‌توانند در رفتارهای مشارکتی به طور موثرتری همکاری کنند. عامل دیگری که به تاثیر همدلی بر روابط کمک می‌کند، شفقت به خود در افراد همدل است. زیرا کسانی که به خود شفقت می‌ورزند، احتمالاً شفقت بیشتری به دیگران نشان می‌دهند، ارتباطات بیشتری برقرار می‌کنند و افزایش

Predicting Marital Satisfaction in Women Based on Conscientiousness, Marital Empathy, and Marital Forgiveness

همدلی را تجربه می‌کنند که می‌تواند منجر به روابط قوی‌تر و رضایت‌بخش‌تر شود. شفقت به خود نه تنها رفتارهای دلسوزانه نسبت به دیگران را تسهیل می‌کند، بلکه احتمالاً رفتارهای پیشگیرانه را تحریک می‌کند و به طور کلی بهزیستی را بهبود می‌بخشد، که می‌تواند به نفع روابط باشد. علاوه بر این، همدلی می‌تواند به عنوان یک عامل محافظتی برای بهزیستی عاطفی عمل کند و به عنوان مکانیزمی برای محافظت از افراد در برابر پریشانی عاطفی عمل کند و منجر به روابط رضایت‌بخش شود. همچنین، همدلی با توسعه دوستی‌های نزدیک و ایجاد شبکه‌های اجتماعی که با اعتماد مشخص می‌شوند، همراه است که می‌تواند به افراد در روابط خود احساس امنیت و حمایت بیشتری بدهد و منجر به رضایت بیشتر در روابط شود (کوهنلی و همکاران، ۲۰۲۳؛ برت و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین، توسعه و پرورش همدلی می‌تواند مزایای بی‌شماری را برای روابط به همراه داشته باشد، زیرا با تقویت توانایی درک و هم‌احساس شدن با افکار و احساسات دیگران، می‌تواند منجر به افزایش رضایت زناشویی شود.

علاوه بر این، یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بخشش نیز با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری دارد که با نتایج تحقیقات فویشوا و زاهورکوا (۲۰۲۲)، مندس-تیسیرا و دوارته (۲۰۲۱)، جهان و همکاران (۱۴۰۰)، کاوه فارسانی (۱۴۰۰) و رابرتز و همکاران (۲۰۲۱) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افرادی که توانایی بخشش بیشتری دارند، هیجانات مثبت مانند شادی و عشق را بیشتر تجربه می‌کنند و هیجانات منفی مانند خشم و کینه را کمتر در خود می‌پروراندند که این امر، زمینه را برای روابط رضایت‌بخش فراهم می‌کند. بخشش، افراد را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌کند، زیرا کسانی که می‌بخشند، حمایت اجتماعی بیشتری دریافت می‌کنند و تمایل بیشتری به برقراری روابط سالم با دیگران دارند، اما در مقابل، عدم بخشش، مانند سدی بین افراد عمل می‌کند و می‌تواند باعث انزوا و تنهایی شود. همچنین، در حل تعارضات، زمانی که افراد یکدیگر را می‌بخشند، به جای کینه و انتقام، به دنبال راه‌حلی سازنده برای مشکلات می‌گردند که این امر می‌تواند باعث افزایش رضایت از روابط شود. علاوه‌براین، فواید بخشش، فقط به سلامت روان محدود نمی‌شود، زیرا افرادی که می‌بخشند، از سلامت جسمی بهتری نیز برخوردارند به صورتی که فشار خون، ضربان قلب و سطح استرس در این افراد پایین‌تر است که این سلامتی و آرامش، به طور مستقیم و غیرمستقیم، کیفیت زندگی را ارتقا می‌دهد و می‌تواند نقش مهمی در تقویت رضایت زناشویی داشته باشند (ریچ و همکاران، ۲۰۲۳؛ یی و همکاران، ۲۰۲۳؛ لی و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین، تقویت بخشش با مزایای فراوانی که برای روابط به همراه دارد می‌تواند منجر به افزایش رضایت در روابط شود.

به طور کلی از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که وظیفه‌شناسی، همدلی زناشویی و بخشش زناشویی نقش کلیدی در رضایت زناشویی زنان دارند. به عبارت دیگر، زنانی که در زندگی مشترک خود وظیفه‌شناسی بیشتری دارند، می‌توانند از سطح رضایت زناشویی بالاتری برخوردار باشند. همدلی زناشویی، به عنوان توانایی درک و هم‌احساس شدن با همسر، می‌تواند به زنان کمک کند تا نیازها و احساسات همسر خود را به طور موثرتری درک کند و به آنها پاسخ دهند، که می‌تواند منجر به افزایش صمیمیت و رضایت در رابطه شود. بخشش زناشویی نیز می‌تواند نقشی حیاتی در ارتقای رضایت زناشویی داشته باشد. زنانی که می‌توانند همسر خود را ببخشند، قادرند از رنجش و کینه دوری کنند و به طور موثرتری با تعارضات و مشکلات زندگی مشترک خود روبرو شوند. بنابراین، توجه به این سه عامل در تعامل با یکدیگر می‌تواند در طراحی برنامه‌های مداخله‌ای موثر برای افزایش رضایت زناشویی زنان بسیار حائز اهمیت باشد. زیرا برنامه‌هایی که به زنان در ارتقای وظیفه‌شناسی، همدلی و بخشش در روابط زناشویی کمک می‌کنند، می‌توانند به طور موثری به بهبود کیفیت و رضایت از زندگی زناشویی و به دنبال آن، ارتقای سلامت روان آنان کمک کنند.

با وجود اینکه پژوهش حاضر یافته‌های ارزشمندی را در بررسی چند عامل مؤثر بر رضایت زناشویی زنان متاهل در استان لرستان ارائه می‌دهد، اما محدودیت‌هایی نیز دارد که باید در نظر گرفته شوند. یکی از این محدودیت‌ها، عدم توانایی در تعیین روابط علت و معلولی است. به عبارت دیگر، این پژوهش فقط می‌تواند نشان دهد که بین عوامل مورد بررسی و رضایت زناشویی همبستگی وجود دارد، اما نمی‌تواند اثبات کند که کدام عامل باعث دیگری می‌شود. محدودیت دوم مربوط به تعمیم‌پذیری یافته‌ها است. از آنجایی که نمونه مورد مطالعه فقط شامل زنان متاهل در استان لرستان بوده است، نمی‌توان با قاطعیت نتایج را به سایر گروه‌ها و جوامع آماری تعمیم داد. محدودیت سوم تمرکز صرف بر دیدگاه زنان متاهل است. برای درک عمیق‌تر و جامع‌تر از عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی و تفاوت‌های جنسیتی در این زمینه، لازم است در مطالعات آتی دیدگاه مردان متاهل نیز مورد بررسی قرار گیرد.

- آذرکیش، م؛ نادری، ف؛ عسکری، پ؛ و حیدری، ع. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش جنسی بر بخشش رنجش خاص زناشویی و پایداری ازدواج زنان متأهل شهر آبادان. *سلامت جامعه*، ۱۱(شماره ۳ و ۴)، ۲۹-۲۰. <https://doi.org/10.22123/chj.2018.121280.1110>
- برخورداری، م؛ شهبازی، ا. (۱۴۰۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش واسطه‌ای ذهن آگاهی و مثبت‌اندیشی. *رویش روان‌شناسی*، ۱۲(۳)، ۲۰۸-۱۹۹. <http://frooyesh.ir/article-1-4409-fa.html>
- پارپایی، ر؛ امیری، ح؛ و عارفی، م. (۱۴۰۱). الگوی علی رضایتمندی زوجین بر اساس مولفه‌های ویژگی شخصیتی با میانجی‌ارتباط مادر-فرزند. *خانواده و بهداشت*، ۱۱(۴)، ۳۹-۲۷. https://journal.astara.ir/article_251715.html?lang=fa
- جعفری، م؛ نوروزی، ز؛ و فولادچنگ، م. (۱۳۹۶). بررسی ساختار عاملی، پایایی و روایی مقیاس همدلی اساسی: فرم فارسی. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۱۴(۲۵)، ۳۳-۳۸. <https://doi.org/10.22111/jeps.2017.3099>
- جهان، م؛ محمدی، ا؛ و قدمی، م. (۱۴۰۰). نقش کیفیت زندگی، سازش‌یافتگی و بخشایشگری در پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران کودکان آهسته‌گام. *توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۱۲(۲)، ۱۰۷-۹۶. <https://doi.org/10.22034/ceciranj.2020.240937.1419>
- رجبی، غ؛ حرزبوی، م؛ و تقی‌پور، م. (۱۳۹۵). ارزیابی مدل رابطه خوددلسوزی، همدلی زناشویی و افسردگی با میانجی‌گری بخشش زناشویی در زنان. *مشاوره کاربردی*، ۲۶(۲)، ۲۲-۱. <https://doi.org/10.22055/jac.2017.21290.1422>
- رجبی، غ؛ کاظمی، ف؛ و شیرالی‌نیا، خ. (۱۴۰۱). ارزیابی مدل رابطه بین ذهن‌آگاهی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری همدلی زناشویی. *فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۱۳(۱)، ۱۹۸-۱۸۳. <https://doi.org/10.22059/japr.2022.320767.643793>
- سلطانی، ف؛ بشارت، م؛ و فراهانی، ح. (۱۴۰۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس ابعاد کمال‌گرایی و کمال‌گرایی معنوی/امذهبی. *رویش روان‌شناسی*، ۱۲(۹)، ۱-۱۰. <http://frooyesh.ir/article-1-4669-fa.html>
- عرب‌علیدوستی، ع؛ نخعی، ن؛ و خانجانی، ن. (۱۳۹۴). پایایی و روایی پرسشنامه‌های رضایت زناشویی کانزاس و اینریج کوتاه شده به زبان فارسی. *بهداشت و توسعه*، ۲۶(۲)، ۱۶۷-۱۵۸. <https://sid.ir/paper/233606/fa>
- عزیزی، م؛ حاجی‌علیزاده، ک. (۱۴۰۱). رابطه سوء رفتار هیجانی با رضایت زناشویی: نقش واسطه‌ای دلزدگی زناشویی در زنان و مردان شهر بندرعباس. *رویش روان‌شناسی*، ۱۱(۱)، ۱۴۴-۱۳۵. <http://frooyesh.ir/article-1-4050-fa.html>
- غفوریان قهرمانی، ص؛ و مهدویان، ع. (۱۴۰۰). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر مبنای متغیرهای همدلی، تعهد زناشویی و سبک‌های دلبستگی در زنان متأهل شهر تهران. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۹(۲)، ۸۰-۷۱. <https://doi.org/10.22070/cpap.2022.15529.1171>
- کاوه‌فارسانی، ذ. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی در رابطه بین روان‌رنجوری، سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۲۰(۷۹)، ۳۱-۶۰. <https://doi.org/10.18502/qjcr.v20i79.7341>
- کیامهر، ج. (۱۳۸۱). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نئو و بررسی ساختار عاملی آن در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی تهران*. <https://d-lib.atu.ac.ir/site/catalogue/66810>
- Abolghasemi, J., Samani, L. N., & Jafari, F. (2022). A Study of Social, Economic, and Cultural Factors Affecting Marital Satisfaction of the Couples of Reproductive Age Using Generalized Estimating Equations. *NeuroQuantology*, 20(4), 312. <https://doi.org/10.14704/nq.2022.20.4.nq22125>
- Albiero, P., Matricardi, G., Speltri, D., & Toso, D. (2009). The assessment of empathy in adolescence: A contribution to the Italian validation of the "Basic Empathy Scale". *Journal of Adolescence*, 32(2), 393-408. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2008.01.001>
- Brett, J. D., Becerra, R., Maybery, M. T., & Preece, D. A. (2023). The psychometric assessment of empathy: Development and validation of the Perth empathy scale. *Assessment*, 30(4), 1140-1156. <https://doi.org/10.1177/10731911221086987>
- Brudek, P., & Kaleta, K. (2023). Marital offence-specific forgiveness as mediator in the relationships between personality traits and marital satisfaction among older couples: Perspectives on Lars Tornstam's theory of gerotranscendence. *Ageing & Society*, 43(1), 161-179. <https://doi.org/10.1017/s0144686x21000465>
- Carciofo, R. (2022). Morning affect, eveningness, and amplitude distinctness: Associations with behavioural indicators of conscientiousness. *Chronobiology International*, 39(12), 1590-1600. <https://doi.org/10.1080/07420528.2022.2134787>
- Costa, P. T., Jr., & McCrae, R. R. (1992). Revised NEO Personality Inventory (NEO PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) Professional Manual. Odessa, FL: *Psychological Assessment Resources*.
- Czechowska-Bieluga, M., & Lewicka-Zelent, A. (2021). Marital satisfaction—a literature review. *Wychowanie w Rodzinie*, 27(2/2021), 155-172. <https://doi.org/10.34616/wvr.2021.2.155.172>
- Fowers, B. J., & Olson, D. H. (1989). ENRICH Marital Inventory: A discriminant validity and cross-validation assessment. *Journal of marital and family therapy*, 15(1), 65-79. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1989.tb00777.x>
- Fupšová, T., & Záhorecová, L. (2022). Empathy and Humility as Predictors of Forgiveness towards One's Partner and Relationship Satisfaction in Young Adults. *Studia Psychologica*, 64(3), 243-255. <https://doi.org/10.31577/sp.2022.03.851>
- Goud, S. S., Swayntika, A., Indla, V., & Kolli, N. S. (2022). Correlation of factors associated with marital satisfaction-A cross-sectional study from an urban place in Andhra Pradesh. *Archives of Mental Health*, 23(2), 107-112. https://doi.org/10.4103/amh.amh_146_21

Predicting Marital Satisfaction in Women Based on Conscientiousness, Marital Empathy, and Marital Forgiveness

- Hoesni, S. M., & Zakaria, S. M. (2022). Exploring Relationships Between Personality Traits and Marital Satisfaction among Urban Malays Using Malaysian Samples: A Preliminary Study. *Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 12(4), 1419-1428. <https://doi.org/10.6007/ijarbs/v12-i4/13222>
- Jackson, J. J., Wood, D., Bogg, T., Walton, K. E., Harms, P. D., & Roberts, B. W. (2010). What do conscientious people do? Development and validation of the Behavioral Indicators of Conscientiousness (BIC). *Journal of research in personality*, 44(4), 501-511. <https://doi.org/10.1016/j.jrp.2010.06.005>
- Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2006). Development and validation of the Basic Empathy Scale. *Journal of Adolescence*, 29(4), 589-611. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2005.08.010>
- Kasalova, P., Prasko, J., Holubová, M., Vrbova, K., Zmeskalova, D., Slepecky, M., & Grambal, A. (2017). Anxiety disorders and marital satisfaction. *Neuroendocrinology Letters*, 38(8), 555-564. <https://doi.org/10.1016/j.eurpsy.2017.01.1885>
- Khezri, Z., Hassan, S. A., & Nordin, M. H. M. (2020). Factors affecting marital satisfaction and marital communication among marital women: Literature of review. *International journal of academic research in business and social sciences*, 10(16), 220-236. <https://doi.org/10.6007/ijarbs/v10-i16/8306>
- Kuhnley, A. K., Nguyen, T. H., Gantt, A. C., & Hinkley, P. (2023). Creatively increasing empathy: The impacts of an online empathy workshop. *Journal of Creativity in Mental Health*, 18(1), 60-72. <https://doi.org/10.1080/15401383.2021.1936328>
- Łada, A., & Kaźmierczak, M. (2019). Negative arousability and relationship satisfaction: The mediating role of empathy. *Roczniki Psychologiczne*, 22(1), 73-90. <https://doi.org/10.18290/rpsych.2019.22.1-5>
- Li, J., Qiu, J., & Li, H. (2023). Connectome-based predictive modeling of trait forgiveness. *Social Cognitive and Affective Neuroscience*, 18(1), nsad002. <https://doi.org/10.1093/scan/nsad002>
- Marcoulides, K. M., & Raykov, T. (2019). Evaluation of Variance Inflation Factors in Regression Models Using Latent Variable Modeling Methods. *Educational and psychological measurement*, 79(5), 874-882. <https://doi.org/10.1177/0013164418817803>
- McCrae, R. R., & Costa Jr, P. T. (2004). A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory. *Personality and individual differences*, 36(3), 587-596. [https://doi.org/10.1016/S0191-8869\(03\)00118-1](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(03)00118-1)
- Mendes-Teixeira, A. I., & Duarte, C. (2021). Forgiveness and Marital Satisfaction: A Systematic Review. *Psicologia: Ciência e Profissão*, 41. <https://doi.org/10.1590/1982-3703003200730>
- Monira, M. S., Himi, S. A., & Hossain, M. R. Psychometric Properties of Conscientiousness Scale in Bangladeshi Culture. *Jagannath University Journal of Psychology*, Vol. 11 (1), 31-42, 2021.
- Nouri, M., Kebria, M. H., Ahmadianfar, F., & Khosravi, A. (2018). Marital satisfaction and related factors among married women. *International Journal of Health Studies*, 4(4). <https://doi.org/10.22100/ijhs.v4i4.480>
- Nunes, C., Ferreira, L. I., Martins, C., Pechorro, P., & Ayala-Nunes, L. (2022). The enrich marital satisfaction scale: Adaptation and psychometric properties among at-risk and community Portuguese parents. *Journal of Social and Personal Relationships*, 39(11), 3275-3295. <https://doi.org/10.1177/02654075221095052>
- Olson, D. H., Fournier, D. G., & Druckman, J. M. (1987). *Counselor's manual for PREPARE/ENRICH* (rev ed.). Minneapolis, MN: PREPARE/ENRICH, Inc.
- Paleari, F. G., Regalia, C., & Fincham, F. D. (2009). Measuring offence-specific forgiveness in marriage: the Marital Offence-Specific Forgiveness Scale (MOFS). *Psychological Assessment*, 21(2), 194-209. <https://doi.org/10.1037/a0016068>
- Plopa, M., Kaźmierczak, M., & Karasiewicz, K. (2019). The quality of parental relationships and dispositional empathy as predictors of satisfaction during the transition to marriage. *Journal of Family Studies*, 25(2), 170-183. <https://doi.org/10.1080/13229400.2016.1211550>
- Ridge, R. D., Busath, G. L., Mead, B. G., & Hedges-Muncy, A. (2023). How do I pardon thee?: The effects of relationship type, account type, and gender on offence-specific forgiveness. *Cogent Psychology*, 10(1), 2251208. <https://doi.org/10.1080/23311908.2023.2251208>
- Roberts, K., Jaurequi, M. E., Kimmes, J. G., & Selice, L. (2021). Trait mindfulness and relationship satisfaction: The role of forgiveness among couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 47(1), 196-207. <https://doi.org/10.1111/jmft.12440>
- Sayehmiri, K., Kareem, K. I., Abdi, K., Dalvand, S., & Gheshlagh, R. G. (2020). The relationship between personality traits and marital satisfaction: a systematic review and meta-analysis. *BMC psychology*, 8(1), 1-8. <https://doi.org/10.1186/s40359-020-0383-z>
- Soucy, A. (2022). An examination of the links between marital satisfaction, decoding accuracy and conflict. *Global Journal of Sociology: Current Issues*, 12(1), 1-11. <https://doi.org/10.18844/gjs.v12i1.7649>
- Stephan, Y., Sutin, A. R., Luchetti, M., Aschwanden, D., & Terracciano, A. (2022). Facets of conscientiousness and motoric cognitive risk syndrome. *Journal of psychiatric research*, 151, 73-77. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2022.03.050>
- Turner, P. (2020). Critical values for the Durbin-Watson test in large samples. *Applied Economics Letters*, 27(18), 1495-1499. <https://doi.org/10.1080/13504851.2019.1691711>
- Wen, X., Zhang, Q., Zhou, Y., Du, J., & Xu, W. (2022). Mindfulness and intimate relationship satisfaction in daily life: The role of empathy. *PsyCh Journal*, 11(4), 500-509. <https://doi.org/10.1002/pchj.535>
- Yang, L., Yang, Z., & Yang, J. (2023). The effect of marital satisfaction on the self-assessed depression of husbands and wives: investigating the moderating effects of the number of children and neurotic personality. *BMC psychology*, 11(1), 1-14. <https://doi.org/10.1186/s40359-023-01200-8>
- Yi, Z., Wu, D., & Deng, M. (2023). Beliefs about the Nature of Forgiveness and Avoidance of an Offender among Chinese College Students. *Behavioral Sciences*, 13(9), 747. <https://doi.org/10.3390/bs13090747>